



Decorative Arts in the Rituals of Celebration and Mourning among the Bakhtiari Tribe

Meysam Yazdi¹ | Samira Mehri Dehnou²

1. Assistant Professor, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: Mayyazdi@gmail.com
 2. *Corresponding Author, M.A. Graduate in Art Research, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
 Email: samiramehridehnou@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received 24 April 2025 Received in revised form 17 November 2025 Accepted 03 December 2025 Available online 31 August 2026 Keywords: Bakhtiari tribe, decorative arts, celebratory and mourning rituals, anthropology of art, cultural aesthetics.	This research, conducted with the aim of examining decorative arts in the celebration and mourning rituals of the Bakhtiari tribe, employed a qualitative, field-based descriptive method with an art anthropology approach. In this study, semiotic, functionalist, and historical-cultural analytical frameworks were utilized to uncover the profound meanings of symbols and decorative motifs. The required data were collected through interviews with 20 members of the Bakhtiari tribe in four different cities (Dezful, Sardasht, Choghamish, and Izeh). The findings indicate that decorative arts within Bakhtiari celebration and mourning rituals reflect the tribe's everyday life, aspirations, spiritual worldview, and traditional beliefs, expressed through elements such as traditional attire, clothing adornments, local motifs, and ceremonial objects. These arts not only serve practical functions but also carry deep symbolic meanings that reflect the tribe's relationship with nature, religious beliefs, and social structure. It was further revealed that these rituals, as profound manifestations of cultural values and collective beliefs, play a fundamental role in preserving and transmitting the social identity of the Bakhtiari tribe. Emphasizing the significance of studying decorative arts as reflections of a people's civilization and culture, this research underscores the necessity of systematic documentation and study of these rituals, particularly amid social and cultural transformations affecting the continuity of the deep-rooted culture of the Bakhtiari tribe.

Cite this article: Yazdi, M., & Mehri Dehnou, S. (2026). Decorative Arts in the Rituals of Celebration and Mourning among the... . *Sociology Art and Literature (JSAL)*, 18 (1), 211-237.
 DOI: <http://doi.org/10.22059/jsal.2026.391109.666369>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jsal.2026.391109.666369>

هنرهای تزئینی در آیین‌های جشن و سوگ در ایل بختیاری

میثم یزدی^۱ | سمیرا مهری دهنو^۲۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکزی، تهران، ایران. رایانامه: Mayyazdi@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته پژوهش هنر دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، ایران.

رایانامه: samiramehridehnou@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	این پژوهش با هدف بررسی هنرهای تزئینی در آیین‌های جشن و سوگ در ایل بختیاری با روش کیفی و میدانی - توصیفی با رویکرد انسان‌شناسی هنری انجام شده است. در این مطالعه، از رویکردهای سمیوتیک، کارکردگرایی و تحلیل تاریخی-فرهنگی برای کشف معانی عمیق نمادها و نقوش تزئینی استفاده شده و داده‌های موردنیاز از طریق مصاحبه با ۲۰ نفر از اعضای ایل بختیاری در چهار شهر مختلف (دزفول، سردشت، چغامیش و ایذه) جمع‌آوری شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هنرهای تزئینی در آیین‌های جشن و سوگ بختیاری، بازتابی از زندگی روزمره، آرزوها، جهان‌بینی معنوی و اندیشه‌های کهن این قوم است که از طریق عناصری چون پوشش سنتی، تزئینات لباس، نقوش محلی و اشیای مراسمی تجلی می‌یابد. این هنرها نه تنها دارای کاربردهای عملی، بلکه حامل معانی نمادین عمیقی هستند که ارتباط این قوم با طبیعت، باورهای مذهبی و ساختار اجتماعی را بازتاب می‌دهند. همچنین مشخص شد که این آیین‌ها به عنوان بازتاب‌دهنده عمیق‌ترین آرمان‌ها و اعتقادات فرهنگی، در حفظ و انتقال هویت اجتماعی ایل بختیاری نقش اساسی ایفا می‌کنند. این پژوهش با تأکید بر اهمیت مطالعه هنرهای تزئینی به عنوان بازتابی از تمدن و فرهنگ هر قوم، بر ضرورت ثبت و مطالعه نظام‌مند این آیین‌ها، به ویژه در شرایطی که فرهنگ ریشه‌دار ایل بختیاری در معرض کم‌رنگ شدن قرار دارد، تأکید می‌کند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۴	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۲۶	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۲	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۰۹	
کلیدواژه‌ها:	
قوم بختیاری، هنرهای تزئینی، آیین‌های جشن و سوگ، انسان‌شناسی هنر، زیبایی‌شناسی فرهنگی.	

استناد: یزدی، میثم؛ و مهری دهنو، سمیرا. (۱۴۰۵). هنرهای تزئینی در آیین‌های جشن و سوگ در ایل بختیاری. جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، ۱۸ (۱)، ۲۳۷-۲۱۱.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jsal.2026.391109.666369>

© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

مقدمه

آیین‌ها و رسوم، به‌عنوان بازتاب‌دهنده عمیق‌ترین آرمان‌ها و اعتقادات انسانی، بیانگر تداوم و انتقال باورهای هر قوم در طول تاریخ‌اند و از مهم‌ترین نشانه‌های هویت اجتماعی اقوام به‌شمار می‌رود. این آیین‌ها و باورها نشان می‌دهند که هرچند خاستگاه اولیه بسیاری از آن‌ها ناشناخته یا فراموش شده است، همچنان در رفتارها و باورهای اجتماعی اقوام تداوم یافته‌اند. از آنجا که هویت و ویژگی‌های فرهنگی هر قوم به‌طور مستقیم در آثار هنری آن متجلی می‌شود، این آثار را می‌توان بازتابی از فرهنگ و تمدن آن قوم دانست. آشنایی با هنر، فرهنگ و اعتقادات این سرزمین از طریق مطالعه چگونگی و چرایی شکل‌گیری آثار هنری، نقش‌ها و نمادها در چارچوب انسان‌شناسی هنر، امکان‌پذیر است. بررسی و ارزیابی هنر و ارزش‌های زیباشناختی، فن‌شناختی و کارکردشناختی در میان اقوام، از جمله وظایفی است که انسان‌شناسی هنر بر عهده دارد (مددی، ۱۳۸۶).

در این میان، هنرهای تزئینی ایل بختیاری یکی از مهم‌ترین عرصه‌هایی هستند که مطالعه آن‌ها می‌تواند به شناخت نظام فرهنگی، نمادها و باورهای این قوم یاری رساند. هنرهای تزئینی ایل بختیاری، با بهره‌مندی از نقوش متنوع و متمایز از هنرهای سنتی سایر مناطق ایران، از ویژگی‌هایی برخوردارند که آن‌ها را به‌عنوان یکی از نمادهای اصیل هنر بختیاری معرفی می‌کند. بخشی از این نقوش، در قالب مضامین اسطوره‌ای، حامل مفاهیمی هستند که فهم آن‌ها مستلزم شناخت عمیق فرهنگ و پیشینه تاریخی این قوم است. این نمادها می‌توانند بازتابی از باورهای کهن ایرانی، به‌ویژه باورهای پیش از اسلام و دوره اسلامی، باشند که در قالب هنر سنتی این ایل تداوم یافته‌اند.

ایران از تنوع اقوام گسترده‌ای برخوردار است و ایل بختیاری یکی از قوام شناخته‌شده و تاثیرگذار ایران محسوب می‌شود. قلمرو سکونت ایل بختیاری در جنوب غرب ایران، استان‌های چهارمحال و بختیاری، لرستان، خوزستان و اصفهان را دربرمی‌گیرد. این ایل از دو شاخه چهارلنگ و هفت‌لنگ تشکیل می‌شود که هر یک شامل طوایف متعددی است. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که منطقه بختیاری هزاران سال محل سکونت انسان‌ها بوده و این پیشینه، از غنای فرهنگی مردمان آن حکایت دارد. حفظ زبان و ادب بومی این ایل مستلزم پژوهش، طبقه‌بندی و ثبت میراث فرهنگی آن است؛ به‌ویژه در شرایطی که انتقال و تداوم این فرهنگ ریشه‌دار با چالش روبه‌رو شده است. امروزه، هم‌زمان با پیشرفت فناوری و دگرگونی رویکردهای فرهنگی، کوشش می‌شود میراث معنوی گذشته با اقتضائات فرهنگ معاصر هماهنگ شود. آیین‌ها بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ هر جامعه‌اند و تزئینات آیینی، چه در مراسم شادی و چه در آیین‌های سوگواری، از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. تزئینات آیینی بختیاری دارای مفاهیم عمیقی هستند و در پس آن‌ها روایت‌ها و باورهای فرهنگی متعددی نهفته است. آیین‌های سوگواری در این ایل از ابعاد نمادین و آیینی برخوردارند و تزئینات در این مراسم نقشی چشمگیر ایفا می‌کنند (قنبری، ۱۳۹۴؛ بابادی عکاشه و همکاران، ۱۴۰۰).

فرهنگ بختیاری شباهت‌های فراوانی با فرهنگ ایران باستان و قوم پارس دارد و این ایل، بنا بر برخی دیدگاه‌ها، یکی از بزرگ‌ترین اقوام ایرانی آریایی به‌شمار می‌رود. آیین‌های سوگواری از مهم‌ترین نمادهای هویت اجتماعی اقوام محسوب می‌شوند و بیانگر حضور باورهای کهن در مناسبات اجتماعی‌اند، هرچند خاستگاه اصلی این باورها ممکن است به‌مرور زمان فراموش شده باشد. شناسایی پیوند باورهای بختیاری با اسطوره‌ها و فرهنگ ایران باستان از ضرورت‌های پژوهشی این حوزه به‌شمار می‌رود. همچنین، جشن‌ها و آیین‌ها در گذر رویدادهای تاریخی تداوم می‌یابند و در شکل‌گیری و استمرار هویت فرهنگی نقش موثری ایفا می‌کنند. آداب، رسوم، آیین‌ها و اعتقادات از مهم‌ترین مولفه‌های شناخت هویت یک ملت هستند. بررسی ریشه‌ها و هویت آثار هنری، همراه با

شناخت عواملی که مردم را به آفرینش آثار آیینی و اساطیری سوق داده‌اند، از اهمیت فراوانی برخوردار است (مددی، ۱۳۸۶؛ احمدی اوندی، ۱۴۰۰).

هنرهای بومی و قومی بختیاری، با بهره‌گیری از مواد اولیه‌ی محلی و فنون دستی، آثاری پدید می‌آورند که بازتاب‌دهنده‌ی ذوق هنری و خلاقیت پدیدآورندگان آن‌هاست. این ویژگی در آثار بختیاری، که بخشی از هنرهای کاربردی، میراث فرهنگی ایران و بیانگر هویت قومی و ملی به شمار می‌روند، آشکار است. نقوش، بافته‌ها و اشیای مورد استفاده در آیین‌های جشن و سوگواری از اصیل‌ترین دستاوردهای هنری-قومی ایران هستند و در میان هنرهای سنتی از جایگاهی ممتاز برخوردارند. به‌کارگیری هنرهای تزئینی در این آیین‌ها، جلوه‌ای از اندیشه، ذوق هنری و کمال‌گرایی مردم این سرزمین است. به‌طور کلی، هنرهای تزئینی در آیین‌های جشن و سوگواری بختیاری از نظر کارکرد، اهمیت و جایگاه، ویژگی‌های ممتازی دارند. از این‌رو، مسئله اصلی پژوهش حاضر بررسی ظرفیت‌ها و ویژگی‌های زیبایی‌شناختی آیین‌های جشن و سوگواری ایل بختیاری با تاکید بر عناصر بومی موجود آن‌هاست.

ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش

هنرهای تزئینی در آیین‌های جشن و سوگواری قوم بختیاری، بازتابی از ساختار فرهنگی، ارزش‌های معنوی و شیوه‌ی زیست اجتماعی این قوم است. این هنرها، از طریق نمادهای طبیعت‌گرایانه، استعاره‌ها و الگوهای نمادین، ساختارهای ذهنی و اجتماعی را بازنمایی کرده و پیوند انسان با جهان هستی و مفاهیم قدسی را بازتاب می‌دهند. این نمادها نه تنها صورت‌های ظاهری آثار هنری را پدید می‌آورند بلکه بازتاب‌دهنده‌ی ساختارهای ذهنی و اجتماعی نیز هستند.

بابادی عکاشه و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی و تطبیق فرهنگ ایل بختیاری با تمدن ایلام باستان: مطالعه‌ی موردی آداب و رسوم»، به مقایسه‌ی هشت اثر باستانی ایلام با آداب و رسوم ایل بختیاری پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که فرهنگ بختیاری عناصر قابل توجهی از میراث تمدن ایلام را در ساختار اجتماعی و نظام نمادین خود حفظ کرده است. رضاپور (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای با رویکرد پدیدارشناسی، آیین کُتل را بر پایه‌ی مصاحبه با ۱۷ نفر از اعضای طوایف مختلف بختیاری بررسی کرد. یافته‌های پژوهش نشان داد که این آیین در تقویت پیوندهای اجتماعی و تداوم آداب و رسوم فرهنگی جامعه نقشی محوری ایفا می‌کند.

سلیمانی باورصاد و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «نشانه‌شناسی تحلیلی نقوش و احجام شاخص در هنر و معماری بومی قوم بختیاری ایران»، رابطه‌ی هندسه، فرم و محتوای فرهنگی را در هنرهای عشایری بختیاری بررسی کردند. این پژوهش، با تمرکز بر مفاهیم نمادین، ساختارهای مفهومی و تداعی‌های فرهنگی نقوش را مورد تحلیل قرار داده است.

نصیری (۱۴۰۱) در پژوهشی مردم‌شناسانه، الگوهای پوشش زنان بختیاری را بر اساس موقعیت اجتماعی، منزلت و فصل‌های سال بررسی کرد. یافته‌های پژوهش نشان داد که تغییرات پوشش، بازتابی از تحول‌های اجتماعی و از عوامل موثر در شکل‌گیری هویت گروهی این قوم است.

چوماخنکو (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «عروسی به عنوان شکلی از مراسم سرگرمی در هنرهای زیبای اوکراین در قرن بیستم»، مراسم عروسی را از منظر هرمنوتیکی تفسیر و نقش آن را در حفظ هویت فرهنگی هنرمندان اوکراینی مورد بررسی قرار داده است. ریچارسون و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی تعامل میان نژاد/قومیت، مکان و کارآفرینی فرهنگی در جوامع محروم پرداختند. یافته‌های پژوهشی حاکی از آن بود که کارآفرینان فرهنگی از طریق فعالیت‌های خلاقانه، به ایجاد اکوسیستم‌های اجتماعی و اقتصادی کمک می‌کنند.

هوی (۲۰۲۱) در کتاب «اهداف و شیوه‌های مراسم مرگ از دیدگاه جهانی»، الگوهای جهانی مراسم تدفین را از منابع تاریخی متنوع تحلیل کرده و اهمیت آن‌ها در فرآیند گذار اجتماعی را نشان داده است.

زیشان و همکاران (۲۰۲۰) سوگواری را به‌عنوان آیینی گذار، از وضعیت فقدان به پذیرش شرایط جدید، از منظر روان‌شناختی و فرهنگی بررسی کردند. این پژوهش نشان داد که سوگواری هم فرآیندی شخصی و هم نمایشی اجتماعی از هویت فرهنگی است. بکستروم (۲۰۱۹) رابطه‌ی سوگواری با عوامل اجتماعی را بررسی کرد. همچنین، برچ و همکاران (۲۰۱۹) نقش آیین عروسی را به‌عنوان سازوکاری برای تداوم باروری در جوامع مختلف تحلیل کردند.

پژوهش حاضر، در مقایسه با مطالعات پیشین، با تمرکز بر هنرهای تزئینی در آیین‌های جشن و سوگواری، به جنبه‌ای کمتر بررسی شده از فرهنگ بختیاری می‌پردازد. برخلاف مطالعات گذشته که عمدتاً بر مقایسه‌ی تاریخی یا تحلیل نقوش باستانی متمرکز بوده‌اند، پژوهش حاضر نمادگرایی، کارکردهای اجتماعی و ساختارهای معنایی هنرهای بختیاری را به صورت توأمان بررسی می‌کند.

از حیث مبانی نظری، این پژوهش با تکیه بر چارچوب انسان‌شناسی هنر و بهره‌گیری از رویکردهای نشانه‌شناختی، کارکردگرایانه و تاریخی-فرهنگی، در پی تبیین ساختارهای نمادین هنرهای آیینی بختیاری است. این رویکرد، فراتر از توصیف صرق و ویژگی‌های بصری، امکان تبیین ارتباط هنر با هویت قومی و ساختارهای اجتماعی را فراهم می‌آورد. از نظر روش‌شناختی، این پژوهش با تلفیق مطالعه‌ی میدانی، مصاحبه‌های عمیق، پرسشنامه و تحلیل تصویری، زمینه‌ی شناسایی الگوهای پنهان فرهنگی را فراهم کرده است. تلفیق این روش‌ها، افزون بر تقویت اعتبار یافته‌ها، به افزایش عمق تحلیل نیز کمک کرده است. همچنین، این پژوهش با ارائه‌ی مطالعه‌ی جامع درباره‌ی هنرهای تزئینی بختیاری، می‌تواند در مستندسازی میراث فرهنگی محلی و شناسایی الگوهای هویتی این قوم در شرایط تحول اجتماعی، سودمند باشد. یافته‌های پژوهش، هم در مطالعات فرهنگی ایران و هم در گسترش مباحث انسان‌شناسی هنر، از اهمیت نظری و کاربردی برخوردار است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش، با رویکرد انسان‌شناسی هنر و به روش کیفی، میدانی-توصیفی انجام شده است. در پژوهش‌های کیفی، دستیابی به اشباع نظری یکی از معیارهای اعتبار و روایی داده‌ها محسوب می‌شود. اشباع نظری زمانی رخ می‌دهد که حاصل از مصاحبه‌ها یا مشاهدات، دیگر مفاهیم یا مقوله‌های جدیدی به پژوهش اضافه نکنند و الگوها و مقوله‌های موجود تکرار شوند (جدول ۱). در این مطالعه از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد و ۲۰ نفر (۱۰ مرد و ۱۰ زن) از اعضای ایل بختیاری در چهار شهر مختلف دزفول، سردشت، چغامیش و ایذه مورد مصاحبه عمیق قرار گرفتند. این انتخاب به‌گونه‌ای انجام شد که تنوع فرهنگی و منطقه‌ای درون ایل بختیاری بازنمایی کند. مصاحبه‌ها به صورت عمیق و نیمه‌ساختارمند انجام شد و بر اساس مقوله‌های مفهومی استخراج‌شده از پیشینه و مبانی نظری هدایت گردید. فرآیند دستیابی به اشباع به شرح زیر انجام شد:

کدگذاری مداوم داده‌ها: در طول فرآیند جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه‌ها به‌صورت مستمر کدگذاری شدند؛ این فرایند شامل کدگذاری اولیه، محوری و انتخابی بوده است.

مقایسه متقابل داده‌ها: با توجه به گردآوری داده‌ها از مناطق و افراد مختلف، داده‌ها به‌صورت تطبیقی مقایسه شدند تا میزان تکرار الگوها و مقوله‌ها مشخص شود.

تشکیل جدول تحلیلی: در نهایت، یافته‌ها در قالب یک جدول نظام‌مند خلاصه شد که در آن نقش هنرهای تزئینی در آیین‌های مختلف از منظر زیبایی‌شناسی، فرهنگی و اجتماعی تحلیل گردید. این جدول نشان داد که داده‌های جدید، مفاهیم تازه‌ای به الگوهای موجود اضافه نمی‌کنند و الگوها در حال تکرار هستند.

توقف مصاحبه‌ها: با توجه به تکرار مداوم الگوها و عدم ظهور مفاهیم جدید در مصاحبه‌های اخیر، اشباع نظری حاصل شد و فرایند مصاحبه‌ها متوقف گردید. این تصمیم بر اساس معیارهای پذیرفته‌شده در پژوهش‌های کیفی، به‌ویژه نظریه‌ی زمینه‌ای اتخاذ شد.

جدول ۱. سوالات پژوهشی، ویژگی‌های جامعه آماری و نمایه‌های فرهنگی در بررسی هنرهای تزئینی آیین‌های جشن و سوگواری ایل بختیاری: رویکرد انسان‌شناسی هنری و زیبایی‌شناسی فرهنگی

ردیف	دسته‌بندی موضوعی	سوالات پژوهشی (محقق ساخته)	راویان مشارکت‌کننده (نام/سن/محل سکونت/تیره)	نمایه‌های فرهنگی مرتبط
۱	پیشینه فرهنگی و تاریخی	پیشینه ایل بختیاری به چه صورت بوده است؟	اردشیر صالح‌پور (۶۸ ایزده، اورک)؛ شهین شاهرخی (۵۳، دزفول، ایسوند)	ثبات فرهنگی، اساطیر محلی
۲	ساختار اجتماعی و قومی	انواع باب و طوایف در ایل بختیاری کدام‌اند؟	گودرز کیانی (۶۷ ایزده، اورک)؛ مرتضی امامی (۴۸ ایزده، اورک)	تقسیمات قومی، هویت‌های منطقه‌ای
۳	آداب و رسوم	اعقاید، آداب و رسوم در ایل بختیاری به چه صورت است؟	سارا ممبینی (۳۲، چغامیش، کیان‌ارثی)؛ زیبا حاجی‌وند (۴۲، سردشت، ممی‌وند)	مراسم مرگ و زندگی، نمادهای مذهبی
۴	تغییرات فرهنگی	سبک زندگی مردمان قوم بختیاری در گذشته تا به امروز چگونه بوده است؟	کیانوش کیانی (۶۹ ایزده، اورک)؛ محمدامین براتی (۴۰، دزفول، براتی)	تأثیر مدرنیته، تعامل با فرهنگ‌های دیگر
۵	مراسم سوگواری	نحوه، شیوه و اجرای مراسم سوگواری در میان اقوام بختیاری به چه صورت بوده است؟	حسین ترابی (۳۳، چغامیش، ترابی)؛ فریده ارادی (۴۷، دزفول، ایسوند)	نمادهای سیاه‌پوشی، نقش موسیقی (چنگ)
۶	مراسم جشن	نحوه، شیوه و اجرای جشن (عروسی) در میان اقوام بختیاری به چه صورت بوده است؟	طهماسب عسکری (۴۱، سردشت، دیناشی)؛ شهناز کیانی (۶۷ ایزده، اورک)	ریتوال‌های خانوادگی، هنرهای تزئینی
۷	تزئینات و نمادها	تزئینات به کار رفته در آیین‌های جشن و سوگ به چه صورت بوده است؟	سمیرا حاجیان (۳۷، مسجدسلیمان، لجم‌ورک)؛ سکینه علاء‌دین (۷۷، کرج، زیلایی)	رنگ‌ها (سیاه/رنگارنگ)، نقوش محلی
۸	ارتباط فرهنگی	چه ابزار و روش‌هایی جهت تزئین آیین‌های سوگ و جشن در قوم بختیاری مورد استفاده قرار می‌گیرد؟	شهباز هزاریان (۵۶، چغامیش، مکنونی)؛ مینا مقصودی (۳۹ ایزده، ململی)	هنرهای دستی (گلیم، قالی)، ابزارهای سنتی
۹	هویت فرهنگی	ویژگی‌ها و تشابهات فرهنگ ایل بختیاری با سایر اقوام کهن ایران کدام‌اند؟	فاطمه مرادی (۵۶ ایزده، عالی محمودی)؛ صغرا طاهری (۴۸، دزفول، ایسوند)	ارتباط با تمدن‌های باستانی (ایلام)
۱۰	دیدگاه غیرومیان	دیدگاه جامعه (غیرومیان) به آیین و آداب رسوم اقوام بختیاری، چگونه نقل و تفسیر می‌شود؟	مرتضی امامی (۴۸ ایزده، اورک)؛ رضا صالحی (۳۸، سردشت، فرگنی)	تأثیر رسانه‌ها، ادراک بین‌المللی

یافته‌های پژوهش

به‌طور کلی، تزئینات هنری در مراسم‌های آیینی ایل بختیاری، فراتر از جنبه‌های زیبایی‌شناختی، حامل عواطف، باورها و هویت فرهنگی این قوم‌اند. این تزئینات نه تنها ابزاری برای بیان احساسات‌اند، بلکه به‌مثابه پیوندی با گذشته و سنت‌های فرهنگی عمل می‌کنند. عناصر نمادین موجود در هر مراسم در نگاه نخست، ممکن است بی‌معنا به نظر برسند، اما در جریان برگزاری، معنایی عمیق می‌یابند و به بخشی اساسی از تجربه زیسته‌ی فرهنگی تبدیل می‌شوند. تزئینات هنری در آیین‌های جشن و سوگواری جایگاه ویژه‌ای دارند و به‌عنوان نمادی از هویت فرهنگی و اجتماعی ایل بختیاری عمل می‌کنند. در مراسم سوگواری، تزئینات و نمادهای خاص مانند

پارچه‌های سیاه یا سفید، تصاویر مذهبی و عناصر طبیعی، به احترام به یاد عزیزان در گذشته کمک می‌کنند، درد و اندوه خانواده را تسکین می‌دهند و احساس همدردی و همبستگی را القا می‌نمایند. در مقابل، در جشن‌ها، تزئینات با رنگ‌های شاد، نمادهای زندگی، طبیعت و خوشبختی همراه‌اند و معمولاً شامل قالی‌ها، گلیم‌ها، صنایع دستی و پوشاک سنتی می‌شوند که غنای فرهنگی ایل بختیاری را بازتاب می‌دهند. این تزئینات، زیبایی‌شناسی، مراسم و ارزش‌های اجتماعی را بازنمایی کرده و به گردهمایی، اشتراک احساسات مثبت و تقویت پیوندهای اجتماعی کمک می‌کنند.

تشریفات و تزئینات هنری در مراسم عزاداری

پس از فوت یکی از اعضای جامعه، آیین‌هایی مانند غسل، نماز و تدفین با حضور افراد تحصیل کرده انجام می‌شود که نشان‌دهنده پیوند سنت و آموزش است. خویشاوندان و همسایگان در برگزاری مراسم همکاری می‌کنند و با تهیه‌ی خوراک محلی «سرمزاری» از مهمانان پذیرایی می‌شود. خانواده متوفی به مدت یک سال لباس مشکی می‌پوشند و جامعه از طریق کمک‌های نقدی و غیرنقدی مانند گوسفند، قند یا برنج از آن‌ها حمایت می‌کند. این آیین‌ها بر همبستگی طایفه‌ای و تقسیم مسئولیت‌ها دلالت دارند (اردشیر صالح‌پور؛ شهین شاهرخی؛ رضاپور، ۱۴۰۰).



تصویر ۱. ادای احترام بزرگان طایفه در ورودی محل و عرض تسلیت و همدردی شرکت‌کنندگان در کنار خانواده متوفی (منبع: آل مومن دهکردی، ۱۴۰۰)

در فرهنگ بختیاری، آیین‌های خاکسپاری و سوگواری ساختاری منظم و نمادین دارند و بازتاب‌دهنده همبستگی عمیق اجتماعی‌اند. شلیک گلوله در مراسم تدفین، سوم و هفتم، نشانه‌ای از احترام به جایگاه متوفی محسوب می‌شود. بزرگان طایفه با برداشتن کلاه و قرار دادن آن بر پیشانی، اعلام عزا می‌کنند. مراسم با تشکیل صفوف منظم آغاز می‌شود؛ خانواده و نزدیکان در صف نخست قرار دارند و پس از آن نمایندگان طوایف دیگر می‌ایستند. نزدیکان متوفی با پوشش محلی و آرایش شبه‌نظامی در دو سوی صف می‌ایستند و هر گروه تسلیت‌گو با نوای غمگین شمال به انتهای صف هدایت می‌شود. پس از تدفین، گوسفندی قربانی می‌شود و صف جدیدی برای اقوام دورتر شکل می‌گیرد. در پایان، نزدیکان به مسجد می‌روند و مراسم ختم برگزار می‌شود. این آیین‌ها با تلفیق عناصر نظامی و سنتی، همبستگی طایفه‌ای و احترام به متوفی را بازنمایی می‌کنند (گودرز کیانی؛ مرتضی امامی؛ احمدی اوندی، ۱۴۰۰).



تصویر ۲. اجرای سروده‌های گاگریو توسط زنان و همیاری و همدردی شرکت‌کنندگان در کنار خانواده متوفی (آل مومن دهکردی، ۱۴۰۰)

ورود به مراسم ختم در فرهنگ بختیاری، کنشی جمعی و نمادین برای ابراز همدردی و سوگواری است. شرکت‌کنندگان با گریه و شیون، اندوه خود را نشان می‌دهند، در این میان، اقوام نزدیک سوگواران را به سوی مجلس هدایت می‌کنند تا فضای همبستگی تقویت شود. در این مراسم، نوای حزن‌انگیز «گاگریو» به عنوان اشعار سوگ و در مدح متوفی اجرا می‌شود که بیانگر ارادت به روح او و تسکین درد عاطفی بازماندگان است. این سنت موسیقایی در مناطق چهارلنگ و هفت‌لنگ به گونه‌ای مشابه اجرا می‌شود که نشان‌دهنده انسجام فرهنگی بختیاری‌هاست. گاگریو علاوه بر کارکرد عاطفی، در حفظ میراث فرهنگی و تقویت پیوندهای اجتماعی این جامعه نیز نقش دارد (سارا ممبینی؛ زیبا حاجیوند؛ احمدی اوندی، ۱۴۰۰).



تصویر ۳. مراسم عزاداری (گاه گریوخوانی) مرحوم زینل مهری دهنو باب هفت لنگ، طایفه دیناران، تیره سرقلی، شهرستان ایذه (منبع: نگارنده، ۱۴۰۱)

برچیدن سیاه‌چادر

در گذشته، زمانی که مردم به شیوه عشایری و زیر سیاه‌چادرها سکونت داشتند، با اعلام خبر فوت، به وسیله نوای «ساز چپی» (موسیقی معکوس شادی)، چادرهای سکونت خود را جمع می‌کردند پس از مراسم، اقوام نزدیک متوفی دوباره سیاه‌چادر را برپا

می‌کردند. هدف از این آیین آن بود که نشان داده شود خانواده متوفی دچار مصیبت شده و بی‌سرپناه گشته است (کیانوش کیانی؛ رضاپور، ۱۴۰۰).



تصویر ۴. نمونه‌ایی از سیاه‌چادر عشایر ایل بختیاری (کیانی، ۱۳۸۸)

کتل

واژه «کتل» به معنای «کوه مقاوم» است و آیین کتل، ریشه در مناسک مرگ و سوگواری دارد و به تکریم متوفی و بازنمایی ارزش‌های اجتماعی او می‌پردازد. این مراسم که در فرهنگ بختیاری جایگاه ویژه‌ای دارد، هنگام درگذشت بزرگان یا جنگاوران در مکانی نمادین به نام «مافه‌گه» برگزار می‌شود (رضاپور، ۱۴۰۰). آیین کتل، مراسمی بختیاری برای بزرگان و جنگاوران درگذشته است که با ساز چپی و تشریفات ویژه برگزار می‌شود. در این مراسم، اسبی بدون سوار با پارچه‌های رنگارنگ تزئین می‌شود و ابزراهای جنگی بر زین آن قرار می‌گیرد. این اسب نماد قدرت و احترام است و با حرکت دایره‌وار آن به دور «مافه» مفهوم چرخه مرگ و بازآغاز زندگی را نشان می‌دهد. پارچه‌های رنگی نماد دوره‌های زندگی، و آینه بر پیشانی اسب یادآور برابری انسان‌ها در برابر مرگ است. بریدن یال و دم اسب نشانه‌ی احترام است و قرار دادن روسری زنانه بر گردن آن، نماد فروپاشی نظم پیشین زندگی تلقی می‌شود (سارا ممبینی؛ زیبا حاجیوند؛ مددی، ۱۳۸۶).



تصویر ۵. اجرای آیین حماسه‌ای کتل در مراسم عزاداری (آل مومن دهکردی، ۱۴۰۰)

مافه‌گه

مافه یا مافه‌گه، سازه‌ای یادمانی در فرهنگ بختیاری است که به احترام درگذشتگان، به‌ویژه افرادی که خارج از زادگاه خود درگذشته‌اند، ساخته می‌شود. این یادمان با وسایل و پوشاک متوفی مانند چوغا، کلاه، زین اسب و گرز تزئین می‌شود و نمادی از احترام و روحیه حماسی اوست. معماری مافه‌گه معمولاً به شکل مربع یا مستطیل است و با پارچه‌ی سیاه و شیردنگ تزئین می‌شود (قنبری، ۱۳۸۲). این بنا که بیش‌تر برای بزرگان و نام‌آوران ایل ساخته می‌شود، نمادی از مهمان‌نوازی نیز هست و در مواردی، بنا به ویژگی‌های فرد متوفی، عناصر تزئینی خاصی به آن افزوده می‌شود. مافه‌گه با آیین‌های کهن مرتبط دانسته می‌شود و برخی پژوهش‌ها آن را متأثر از معابد ایلامی یا یادمان‌های هخامنشی می‌دانند. این سازه، مانند «شیر سنگی»، نمادی از شکوه، عزت و افتخار در فرهنگ بختیاری است و یادآور جایگاه والای درگذشتگان را بازنمایی می‌کند (قنبری، ۱۳۸۲).



تصویر ۶. برپایی نمادین مافه‌گه در مراسم عزاداری (قلی‌پور، ۱۳۹۸)

گیسو بریدن

در فرهنگ بختیاری، بریدن گیسو توسط زنان نزدیک متوفی مانند مادر، همسر یا خواهر، آیینی نمادین برای ابراز سوگ عمیق بوده است. این سنت که در برخی روایت‌ها با اسطوره‌های شاهنامه پیوند داده می‌شود، بازتابی از ابراز اندوه شدید در قالب کنش‌های نمادین است. گیسو که در فرهنگ محلی نمادی از عصمت و حیثیت زنانه محسوب می‌شد، گاه بر اسب کتل یا مزار متوفی آویزان می‌شد. اگرچه این رسم، امروزه کمتر مشاهده می‌شود، در گذشته بازتابی از نظام ارزشی و مناسک پیچیده سوگواری در جامعه بختیاری بود. سنتی که از سویی بیانگر اندوه فردی و از سوی دیگر تأکیدی بر هویت جمعی این قوم به شمار می‌رفت (سمیرا حاجیان؛ سکینه علاءدین؛ قنبری، ۱۳۹۱).



تصویر ۷. گیس بریده شده و نصب آن در محل دفن فرد متوفی (نگارنده)

بستن چادر پشت سر برای زنان

در سنت عزاداری برخی طوایف بختیاری، به جای پوشش کامل سیاه، از شال گردن سیاه به عنوان نماد سوگواری استفاده می‌شد. زنان در این مراسم با بستن چادر به شیوه‌ای خاص به پشت سر وارد مجلس می‌شدند که نشانه‌ای از احترام و اندوه بود. در پایان مراسم، یکی از نزدیکان متوفی با گشودن گره چادر و گفتن عبارت «جای بد نری» (به معنی آرزوی خیر برای مسیر پیش‌رو)، آنان را بدرقه می‌کرد (سکینه علاء‌دین؛ سمیرا حاجیان؛ مددی، ۱۳۸۶).



تصویر ۸. نحوه بستن پوشش چادر در مراسم عزاداری (آل مومن دهکردی، ۱۴۰۰)

توشمال و ساز چپی

در قلب آیین‌های سوگواری بختیاری، «توشمال» به عنوان حامل هنر و اندوه ایل ظاهر می‌شود. این نوازنده سنتی با مهارتی ویژه، «ساز چپی» را می‌نوازد؛ شیوه‌ای که در آن ملودی‌های شاد به زبان عزاداری ترجمه می‌شوند. با وارونه نواختن نت‌ها روی کرنا (از انتها به ابتدا)، نوعی دگرگونی نمادین از شادی به سوگ ایجاد می‌شود (شهباز هزاریان؛ مینا مقصودی؛ نصیری، ۱۴۰۱).



تصویر ۹. نواختن توشمال و ساز چپی در مراسم عزاداری (آل مومن دهکردی، ۱۴۰۰)

سنگ قبر

سنگ‌قبرهای بختیاری به شکل نمادین و مبتنی بر جنسیت طراحی می‌شوند و بازتابی از ارزش‌های فرهنگی این قوم هستند. برای زنان، نقوشی مانند شانه، موی بافته و ابزار قالی‌بافی حک می‌شود که بر هنرآفرینی و نقش زنانه در حفظ سنت‌ها تأکید دارد. در مقابل، سنگ‌قبر مردان با نمادهایی چون شمشیر، تفنگ، گرز و اسب تزئین می‌شود که بیانگر شجاعت، جنگاوری و زیست کوچ‌نشینی است. این نمادها نه تنها هویت فردی متوفی، بلکه بخشی از حافظه جمعی این جامعه را نیز بازتاب می‌دهند و نشان‌دهنده پیوند عمیق بختیاری‌ها با طبیعت و تاریخ ایران هستند. به این ترتیب، سنگ‌قبرها در این فرهنگ، هم یادبود فرد و هم بازنمایی باورهای جمعی قومی محسوب می‌شود (فاطمه مرادی؛ صغرا طاهری؛ قنبری، ۱۳۹۳).



تصویر ۱۰. شیرسنگی قبرستان تاریخی شهسوار، شهرستان ایذه (نگارنده، ۱۴۰۰)

حکاکی نقوشی همچون شانه، قیچی، کفش و دارِ قالی بر سنگ‌مزار زنان بختیاری، بازتاب‌دهنده‌ی هویت، پایگاه اجتماعی و ابعاد گوناگون زیستِ آنان است. در این میان، نقش شانه به عنوان نماد آراستگی، دال بر اصالت تباری، تعهدات دینی، منزلت اجتماعی و پایبندی آیینی فرد متوفی است. آرایش موی زنان بختیاری که بر پایه‌ی سنت‌های آیینی و با تقسیم مو از میانه‌ی سر به دو نیمه انجام می‌پذیرد، در برخی خوانش‌های انسان‌شناختی، تجلی‌بخش «ثنویت» و دوگانگی در هستی‌شناسی و باورهای کهن ایرانی تفسیر

می‌شود. در نهایت، این نمادها فراتر از بازنمایی هویت فردی، بیانگر غنای فرهنگی-اجتماعی زیست‌بوم بختیاری و پیوند عمیق زنان با نظام هنجاری، آداب و سنن این ایل به شمار می‌روند (فاطمه مرادی؛ صغرا طاهری؛ قنبری، ۱۳۹۳).



تصویر ۱۱. نقوش نمادین بر روی سنگ قبر فرد مונث قبرستان تاریخی شهسوار، شهرستان ایذه (نگارنده، ۱۴۰۰)

سرباره

«سرباره» یکی از کنش‌های نمادین در آیین سوگواری بختیاری است که مشارکت و همیاری اعضای ایل را بازنمایی می‌کند. در مراسم‌های عزاداری، به دلیل حضور شرکت‌کنندگان از مناطق دوردست و طولانی بودن مراسم، این شیوه‌ی یاری‌رسانی اهمیت ویژه‌ای می‌یابد و بر همبستگی اجتماعی جامعه بختیاری دلالت دارد. این سنت، افزون بر کاهش بخشی از هزینه‌های خانواده متوفی، به تقویت همدلی و انسجام اجتماعی میان اعضای ایل نیز کمک می‌کند (شهباز هزاریان؛ مینا مقصودی؛ مددی، ۱۳۸۶: ۷۵).



تصویر ۱۲. جمع‌آوری سرباره و کمک‌های مادی توسط شرکت‌کنندگان در مراسم عزاداری (قلی پور، ۱۳۹۸)

تزئین گیاه در کنار متوفی

در ایل بختیاری، هنگام درگذشت افراد، چوبی به شکل Y در زیر بغل فرد متوفی قرار می‌دهند. این رسم ریشه در باوری فرهنگی دارد که بر اساس آن، این شاخه‌ها همانند عصا، متوفی را در جهان دیگر همراهی می‌کنند. این آیین، مفهومی نمادین از زندگی دوباره و تداوم حیات پس از مرگ را تداعی می‌کند (حسین ترابی؛ فریده ارادی؛ مددی، ۱۳۸۶: ۶۰-۵۸).

قرار دادن ترکه‌های تازه در کنار متوفی، در آیین بختیاری نمادی از تجدید حیات و زندگی دوباره است. در باورهای کهن ایرانی، از جمله در فرهنگ بختیاری، گیاهان جایگاهی نمادین دارند و مظهر زندگی و پویایی به‌شمار می‌روند. در میان این گیاهان، درخت کنار جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا در باور بختیاری میوه‌ای بهشتی تلقی می‌شود و به‌سبب سرسبزی و پایداری خود، نماد حیات است (داوودی، ۱۳۹۶: ۷۷۵). همچنین، در برخی روایت‌های مذهبی، چوب‌دستی پیامبران از چوب این درخت ساخته شده و از این‌رو جنبه‌ای قدسی

یافته است. این باورها بیانگر پیوند عمیق معنوی بختیاری‌ها با طبیعت و جایگاه گیاهان در آیین‌های آنان است (حسین ترابی؛ فریده ارادی؛ مددی، ۱۳۸۶: ۶۰-۵۸).



تصویر ۱۳. تصویر کار گذاشتن چوب در کنار متوفی (قلی پور، ۱۳۹۸)

گذاشتن روشنایی روی قبر

در فرهنگ بختیاری، روشن نگه داشتن چراغ به مدت سه شب بر مزار متوفی، سنتی عمیقاً نمادین است. این آیین ریشه در تقدس آتش در باورهای کهن ایرانی دارد که هم نماد روشنایی و پاکی است و هم واسطه‌ای میان جهان مادی و معنوی محسوب می‌شود. برای بختیاری‌ها، این چراغ سه‌شبه تنها یک رسم سوگواری نیست، بلکه تجلی باورهای اصیل آنان درباره زندگی، مرگ و پیوند ناگسستنی با نیاکان است. آتش در این سنت، هم راهنمای روح متوفی است و هم یادآور پاکی و صیقل روح برای بازماندگان. این سنت کهن که برخی پژوهشگران آن را متأثر از آیین زرتشت می‌دانند، همچنان به‌عنوان بخشی از هویت فرهنگی بختیاری‌ها تداوم یافته است و نشان‌دهنده تداوم ارزش‌های معنوی این قوم در گذر زمان است (کیانوش کیانی؛ محمدامین براتی؛ قنبری، ۱۳۹۴).



تصویر ۱۴. گذاشتن فانوس در کنار قبر متوفی (قلی پور، ۱۳۹۸)

شاخ پازن

در فرهنگ بختیاری، استفاده از شاخ قوچ یا پازن در آیین‌های سوگواری، نمادی از مهارت در شکار، جنگاوری و شجاعت متوفی است. شکارچیان در این جامعه از منزلت اجتماعی بالایی برخوردار بودند و به افراد برجسته لقب «میرشکار» اعطا می‌شد. قرار دادن شاخ بر مافه‌گه، نشانه‌ای از احترام به روحیه جنگاوری و مهارت‌های فرد در گذشته به‌شمار می‌رود. برخی پژوهشگران این سنت را با ریشه‌های تاریخی دوره‌ی هخامنشی مرتبط دانسته‌اند؛ دوره‌ای که شاخ قوچ نماد قدرت، فرمانروایی و شکوه محسوب می‌شد. به این

ترتیب، شاخ قوچ در آیین‌های بختیاری نه تنها یادآور شجاعت فرد در گذشته است، بلکه تداوم باورهای کهن ایرانی را در فرهنگ ایل زنده نگه می‌دارد (گودرز کیانی؛ مرتضی امامی؛ قربانی، ۱۳۹۷).



تصویر ۱۵. به کارگیری پازن در اجرای مراسمات عزاداری (قلی پور، ۱۳۹۸)

تشریفات و تزئینات هنری در مراسم جشن (عروسی)

در گذشته، ازدواج در میان بختیاری‌ها تا حد زیادی تابع سنت‌ها و آداب اجتماعی بود. از این رو، دختر از بدو تولد برای ازدواج با پسری، که معمولاً از او بزرگ‌تر بود، نامزد می‌شد. این شیوه که با عنوان «نافر» شناخته می‌شد، بازتابی از ساختار اجتماعی و نظام خویشاوندی آن دوره بود. امروزه با تحول شرایط فرهنگی و اجتماعی، انتخاب همسر بیش‌تر بر عهده‌ی خود افراد است و این رسم تنها در برخی مناطق یا خانواده‌ها مشاهده می‌شود (طهماسب عسکری؛ شهناز کیانی؛ قنبری، ۱۳۶۱: ۱۱).

اوزی

در فرهنگ بختیاری، سنت «اوزی» نشانه‌ای از روحیه همیاری و حمایت اجتماعی است. این رسم کهن به شکل کمک‌های مالی و جنسی به زوج‌های جوان برای برگزاری مراسم ازدواج انجام می‌شود. در گذشته، این کمک‌ها شامل اهدای دام مانند گوسفند، مواد غذایی و کالاهای ضروری زندگی بود. امروزه بیش‌تر به صورت هدایای نقدی ارائه می‌شود. اوزی فراتر از یک کمک مادی، نماد پیوندهای عمیق اجتماعی و خانوادگی در جامعه بختیاری است. اوزی افزون بر کاهش هزینه‌های ازدواج، به تقویت روابط اجتماعی نیز کمک می‌کند و با وجود دگرگونی در شیوه‌ی اجرا، کارکرد اصلی آن، یعنی حمایت جمعی، همچنان حفظ شده است (طهماسب عسکری؛ شهناز کیانی؛ آشوری، ۱۳۹۸).



تصویر ۱۶. تصویر اهدای اقلام و کادویی (اوزی)؛ این رسم با تشریفات و سروده‌های محلی (آهای گل) همراه بوده است (نگارنده، ۱۴۰۰)

قباله‌نویسی و قنداشکنون

با حضور بزرگان دو خانواده، مراسم «قباله‌نویسی» همراه با تعیین شیربها و مهریه برگزار می‌شود. این آیین در گویش محلی با نام‌های «شیربهاورون» یا «شیربهاواورون» نیز شناخته می‌شود. سپس مراسم عقد و قرائت خطبه عقد با حضور روحانی یا ملای محل برگزار می‌شود. این مراسم، متناسب با سنت‌های هر منطقه، با آوازخوانی و نوازندگی توشمال همراه است (سارا ممبینی؛ زیبا حاجی‌وند). در ادامه، صورت‌جلسه‌ای از توافقات انجام‌شده تنظیم و شناسنامه‌ی عروس تا روز عقد به یکی از معتمدان مجلس سپرده می‌شود. در برخی طوایف، در پایان مراسم، کله‌قندی به نیت شیرین‌کامی عروس و داماد شکسته می‌شود که به این عمل «قنداشکنون» گفته می‌شود.



تصویر ۱۷. مراسم قند اِشکنون؛ به نیت شیرینی زندگی عروس و داماد (اوجاق، ۱۳۹۳)

سررختی

در فرهنگ بختیاری، بخش عمده هزینه‌های مراسم عروسی بر عهده خانواده داماد است، زیرا بر این باورند که مرد باید بنیان زندگی مشترک را فراهم کند. با این حال، خانواده عروس نیز با تهیه جهیزیه در تامین نیازهای آغاز زندگی مشترک، نقشی ایفا می‌کنند. پیش از برگزاری مراسم، داماد در آیین «سرخریدی» هدایایی برای خانواده عروس تهیه می‌کند که نشانه‌ای از احترام و حسن نیت اوست. همچنین در مراسم پرشور «باروزی برون»، خویشاوندان داماد با اهدای هدایایی مانند دام و لوازم منزل و دیگر اقلام مورد نیاز، از تشکیل زندگی مشترک حمایت می‌کنند. این آیین‌ها، افزون بر تامین بخشی از نیازهای مادی زوجین، به تقویت پیوندهای خویشاوندی و همبستگی اجتماعی میان دو خانواده نیز کمک می‌کنند (طهماسب عسکری؛ شهناز کیانی؛ نصیری، ۱۴۰۱).

تزئینات لباس مردان

پوشاک سنتی بختیاری بازتابی از فرهنگ، باورها و هویت قومی این جامعه است. چوقا با خطوط سیاه و سفید خود، در باورهای محلی دارای مفاهیم نمادینی است؛ به گونه‌ای که خطوط سفید رو به بالا نماد روشنایی و دانایی، و خطوط سیاه رو به پایین نماد دشواری‌های زندگی تلقی می‌شوند. شلوار دبیت نیز با طراحی ویژه خود، افزون بر کارکرد عملی، از نظر زیبایی‌شناختی و تناسب با شیوه زندگی عشایری اهمیت دارد. نقوش هندسی این پوشاک در برخی تفسیرها یادآور چشم‌اندازهای کوهستانی زاگرس دانسته شده‌اند. کلاه نمدی نیز بر اساس رنگ و شیوه استفاده، می‌تواند بیانگر جایگاه اجتماعی فرد باشد. این پوشش کامل که با گیوه‌های دست‌دوز تکمیل می‌شود، تنها یک لباس نیست، بلکه داستان تاریخی کهن و هویت مردمی سرسخت را در خود دارد. هر بخش از آن، از چوقا تا کلاه، روایتی زنده از فرهنگ و فلسفه بختیاری‌هاست که نسل به نسل حفظ شده است (مرتضی امامی؛ رضا صالحی؛ آشوری، ۱۳۹۸).



تصویر ۱۸. نوع پوشش مردان در جشن (قلی‌پور، ۱۳۹۸)

نزئینات لباس زنان

پوشاک زنان بختیاری از مهم‌ترین جلوه‌های هویت فرهنگی و هنری این قوم به‌شمار می‌رود. این پوشش با رنگ‌های شاد و نقوش نمادین، ریشه در تاریخ و سنت‌های پوشاک ایرانی دارد و بخشی از میراث فرهنگی ایل محسوب می‌شود. مینا، لچک سکه‌دوزی شده، جومه‌های رنگین، شلوار قری و زیورآلات از مهم‌ترین اجزای این پژوهش هستند. این عناصر، پیوند فرهنگ بختیاری با طبیعت، تاریخ و سنت‌های بومی را بازتاب می‌دهند. در مراسم عروسی، این پوشش با استفاده از پارچه‌های رنگارنگ و زیورآلات، جلوه‌ای شاخص از هنر و هویت قومی بختیاری را به نمایش می‌گذارد (فاطمه مرادی؛ صغرا طاهری؛ آشوری، ۱۳۹۸).



تصویر ۱۹. نوع پوشش زنان در جشن (قلی‌پور، ۱۳۹۸)

نشانه‌شناسی چوب‌بازی

چوب‌بازی در مراسم‌های عروسی بختیاری، رقصی آیینی و نمادین است که مفاهیمی چون شجاعت، هماهنگی و همبستگی اجتماعی را بازنمایی می‌کند. در این آیین، دو مرد با چوب‌های متفاوت مانند دیرک محکم و ترکه انعطاف‌پذیر، حرکاتی اجرا می‌کنند. این رقص افزون بر کارکرد نمایشی، در برخی موارد بستری برای کاهش تنش‌ها و تقویت روابط اجتماعی میان طوایف نیز به‌شمار می‌رود. چوب‌بازی با حفظ اصالت خود، ارزش‌هایی چون غیرت و شجاعت را به نسل‌های بعد منتقل می‌کند. از این رو، این رسم نمادی از روحیه جنگاوری و فرهنگ اجتماعی بختیاری‌ها محسوب می‌شود (گودرز کیانی؛ مرتضی امامی؛ احمدی بیرگانی، ۱۳۹۸).



تصویر ۲۰. اجرای جشن چوب‌بازی (قلی‌پور، ۱۳۹۸)

تزئینات و نشانه‌شناسی در رقص

رقص یکی از مهم‌ترین نمودهای آیینی در فرهنگ بختیاری است که نقش مهمی در بازنمایی هویت جمعی و انسجام اجتماعی این قوم دارد. در این آیین، زنان و مردان با حرکات هماهنگ گروهی، مفاهیمی چون همبستگی، همکاری و مشارکت اجتماعی را بازنمایی می‌کنند.

این حرکات جمعی که با نغمه‌های اصیل توشمال‌ها همراه می‌شود، تنها یک نمایش هنری نیست، بلکه زبانی گویا برای بیان هویت جمعی این قوم است. حرکات رقص، ارزش‌هایی مانند شجاعت، همدلی و مقاومت را در قالبی نمادیند بازتاب می‌دهند (شهباز هزاریان؛ مینا مقصودی؛ باورصاد، ۱۴۰۰). در مراسم عروسی، این رقص‌ها به اوج شکوه خود می‌رسد و فضایی سرشار از شور و نشاط ایجاد می‌کند. شرکت‌کنندگان با حرکاتی هماهنگ، همچون موج دریا به جلو و عقب حرکت می‌کنند و حلقه‌ای از اتحاد و همبستگی را تشکیل می‌دهند. این صحنه‌های پرشور، گواهی است بر تداوم فرهنگی کهن که نسل به نسل منتقل شده و امروز نیز با همان اصالت و شور ادامه دارد.



تصویر ۲۱. مشارکت مردان و زنان بختیاری در اجرای رقص دستمال‌بازی (قلی‌پور، ۱۳۹۸)

در رقص‌های بختیاری، رقصندگان یک طایفه دست در دست یکدیگر و با در دست داشتن دستمال، هماهنگ با نوای ساز و دهل، حرکات آیینی خود را اجرا می‌کنند. این رقص‌ها معمولاً چندین ساعت ادامه می‌یابند و رقصندگان با انرژی و تمرکز، حرکات خود را اجرا می‌کنند. حالت چهره آنان اغلب جدی و مصمم است؛ گویی در اجرای آیینی مقدس مشارکت دارند. پوشاک با رنگ‌هایی مانند صورتی، سبز، آبی و قرمز همراه با دستمال‌ها و میناها، جلوه‌ای چشمگیر به حلقه رقص می‌بخشند. حضور گسترده زنان و دختران در

این مراسم، بیانگر جایگاه آن‌ها در ساختار فرهنگی و اجتماعی ایل بختیاری است. اجرای رقص به صورت دایره‌ای، نمادی از چرخه مرگ و زندگی است و بازتابی از باورهای اسطوره‌ای و فرهنگی بختیاری‌ها را به‌شمار می‌رود. این الگوی دایره‌ای در دیگر جنبه‌های زندگی روزمره آن‌ها نیز دیده می‌شود مانند کشیدن دایره دور کودک هنگام خواب یا چیدن محصولات به شکل دایره در خرمن (باورصاد، ۱۴۰۰).



تصویر ۲۲. اجرای رقص دستمال‌بازی و تشکیل صف‌های دایره‌ای شکل (قلی‌پور، ۱۳۹۸)

تزئینات با شیردنگ

شیردنگ نوار باریکی، با عرضی حدود دو تا پنج سانتی‌متر است که با شرابه‌هایی مانند مهره، لپک و منگوله‌های رنگی آراسته می‌شود. واژه «شیردنگ» از دو جز «شیر» و «دنگ» تشکیل شده است؛ «شیر» نماد شجاعت در فرهنگ بختیاری و «دنگ» به معنای استواری و استحکام است. از این‌رو، این واژه مفاهیمی چون دلاوری، جوانمردی و قدرت را تداعی می‌کند. در باورهای عامیانه، شیردنگ با نعره شیر نیز پیوند داده می‌شود؛ نعره‌ای که آن را دارای نیروی محافظت‌کننده در برابر حیوانات و نیروهای اهریمنی می‌دانند. شیردنگ بیش‌تر در آیین‌های عروسی برای آراستن حجله به کار می‌رود و گاه نیز برای تزئین گاو نر یا قوچ، به عنوان نماد شجاعت استفاده می‌شود. بر شیردنگ، مانند منگوله، مهره، دینش (اسفند)، لوک نر (نمک متبلور)، موی گرگ، خرّمهره، ریش بزکوهی و زنگوله آویزان می‌شوند. در فرهنگ بختیاری، آویختن خرّمهره به شیردنگ در حجله عروس، برای دفع چشم‌زخم و جلب خوش‌یمنی انجام می‌شود (سمیرا حاجیان؛ سکنه علاء‌دین؛ باورصاد، ۱۴۰۰).



تصویر ۲۳. ماشین عروس تزئین شده با شیردنگ (نگارنده، ۱۳۹۹)

کمر بستن برای عروس

در آیین‌های ازدواج ایل بختیاری، رسم کمر بستن عروس یکی از رسوم مهمی است که هنگام عزیمت عروس به خانه داماد انجام می‌شود. در این مراسم، برادر عروس یا یکی از مردان نزدیک خانواده، دستمال سفیدی حاوی نان، سبزی، قند یا نبات را به کمر عروس می‌بندد. این آیین واجد معانی نمادین متعددی است؛ شال سفید نماد وفاداری، قند نماد شیرینی زندگی مشترک و نان نماد برکت و روزی حلال به‌شمار می‌رود (طهماسب عسکری؛ شهناز کیانی؛ نصیری، ۱۴۰۱). عروس پیش از اجرای این رسم، دواق (دستمال سر) بر سر دارد و دستمال بسته‌شده بر کمر نیز نمادی از دوشیزگی او پیش از ازدواج محسوب می‌شود. این آیین، افزون بر معانی عاطفی، کارکرد شرزدایانه نیز دارد و ریشه در باورهای کهن زرتشتی درباره محافظت در برابر پلیدی‌ها دارد. آیین کمر بستن عروس در فرهنگ بختیاری، بیانگر پیوند میان عشق، تقدس و سنت‌های دیرینه این قوم است (بیگدلی، ۱۳۸۶: ۹۴).



تصویر ۲۴. تصویر بستن کمر عروس با شال (قلی‌پور، ۱۳۹۸)

دواق‌برداری

آیین دواق‌برداری در عروسی‌های بختیاری، یکی از رسوم نمادین و پراهمیت این قوم است که با نمایش شجاعت و مهارت سوارکاری جوانان همراه بوده و در واقع، نمادی از تعامل و رقابت میان دو خانواده به‌شمار می‌رود. دواق (روسری عروس) به‌عنوان نماد عفت و دوشیزگی، جایگاهی محوری در این آیین دارد و برداشتن آن، نشانه پذیرش عروس در خانواده داماد و آغاز رسمی زندگی مشترک تلقی می‌شود. این آیین ریشه در تاریخ و فرهنگ ایل بختیاری دارد و واجد لایه‌های معنایی متعددی است؛ از یک سو، نمایش روحیه جنگاوری و شجاعت مردان ایل را بازنمایی می‌کند و از سوی دیگر، بازتابی از ساختارهای اجتماعی و نقش‌های جنسیتی در جامعه

بختیاری است. رقابت برای برداشتن سرانداز عروس، نه تنها بر توانمندی داماد تأکید می‌کند بلکه مسئولیت‌های اجتماعی او را نیز یادآور می‌شود (کیانوش کیانی؛ محمدمبین براتی؛ نصیری، ۱۴۰۱). این رسم تاریخی، که احتمالاً با سنت‌های کهن انتخاب همسر از طریق مبارزه پیوند دارد، نمونه‌ای بارز از انتقال ارزش‌ها و باورهای قومی در طول نسل‌هاست. دواق‌برداری نشان می‌دهد که آیین‌های بختیاری چگونه در حفظ و انتقال هویت فرهنگی و اجتماعی این قوم در گذر زمان نقش ایفا کرده‌اند. همانطور که سردار اسعد (۱۳۶۳) نیز اشاره کرده است، این مراسم بخش مهمی از هویت جمعی بختیاری‌ها را تشکیل می‌دهد (داوودی، ۱۳۹۶: ۲۵۴).



تصویر ۲۵. اجرای دواق‌برداری در عروسی بختیاری (قلی‌پور، ۱۳۹۸)

گذاشتن پسر در بغل عروس

باور به اهمیت فرزند پسر در جامعه بختیاری، بازتابی از سنت‌ها و باورهای فرهنگی این قوم است. در فرهنگ‌های مختلف، جایگاه فرزند، به‌ویژه فرزند پسر، با معانی و کارکردهای متفاوتی همراه است و این امر در فرهنگ بختیاری نیز به‌وضوح مشاهده می‌شود. در مراسم عروسی، قرار دادن پسرپچه در بغل عروس، نه تنها نمادی از آرزوی داشتن فرزند پسر است، بلکه بر ارزش‌ها و انتظارات فرهنگی حاکم بر جامعه بختیاری نیز تأکید دارد؛ جامعه‌ای که تداوم نسل و حفظ میراث خانوادگی در آن اهمیت ویژه‌ای دارد. این باورها با ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه نیز پیوند خورده است؛ زیرا پسران اغلب به‌عنوان ادامه‌دهندگان نسل و حافظان نام و اعتبار خانوادگی شناخته می‌شوند. این نمادگرایی به‌عنوان بخشی از آداب و رسوم بختیاری، می‌تواند بازتابی از روابط قدرت و ساختار اجتماعی حاکم بر ایل بختیاری باشد (فاطمه مرادی؛ صغرا طاهری؛ داوودی، ۱۳۹۳: ۲۶۸).



تصویر ۲۶. گذاشتن پسرپچه در بغل عروس (قلی‌پور، ۱۳۹۸)

گرزنون

رسم گرزنون در ازدواج‌های سنتی بختیاری، آیینی نمادین است که ابعاد روانی و اجتماعی پیوند زناشویی را بازنمایی می‌کند. در این آیین، ایستادن عروس و امتناع او از حرکت به سوی خانه داماد، به‌عنوان نمادی از نگرانی و اضطراب ناشی از ازدواج‌های ترتیب‌داده‌شده توسط خانواده‌ها تفسیر شده است. بر اساس این تفسیر، این رفتار می‌تواند بیانگر محدود بودن استقلال دختران جوان و نگرانی آنان در مواجهه با آینده‌ای نامعلوم باشد (سارا ممبینی؛ زیبا حاجیوند؛ مددی، ۱۳۸۶).

واکنش داماد از طریق اهدای هدیه به عروس، کارکردی دوگانه دارد؛ از یک سو، تلاشی برای کاهش نگرانی عروس و نشان دادن حسن نیت است و از سوی دیگر، نشانه‌ای از توجه به احساسات او و تمایل به شکل‌گیری رابطه‌ای مبتنی بر تفاهم به‌شمار می‌رود. این تعامل آیینی، زمینه را برای آغاز رابطه‌ای عاطفی و شکل‌گیری امید به زندگی مشترک فراهم می‌کند. همان‌گونه که مددی (۱۳۸۶) نیز اشاره کرده است، این رسم، در عین سادگی، سازوکاری فرهنگی برای تسهیل گذار از زندگی مجردی به متأهلی و کاهش تنش‌های ناشی از ازدواج‌های سنتی محسوب می‌شود. آیین گرزنون، ضمن بازنمایی چالش‌های ازدواج‌های سنتی، به‌عنوان سازوکاری فرهنگی برای کاهش و تعدیل این چالش‌ها نیز عمل می‌دهد.



تصویر ۲۷. توقف عروسی بختیاری در جلوی درب منزل داماد (قلی‌پور، ۱۳۹۸)

سراندازی یا ری‌برقه

مراسم سواربازی در عروسی‌های بختیاری، یکی از رسوم نمادین این قوم است که در آن داماد مهارت‌های سوارکاری، شجاعت و شایستگی خود را به نمایش می‌گذارد. این آیین سرشار از نمادهای فرهنگی است؛ اسب برگزیده داماد بیانگر جایگاه اجتماعی او در طایفه است و رقابت برای گرفتن پارچه سفید از دست عروس نیز نماد آغاز زندگی مشترک و پیوند زناشویی به‌شمار می‌رود. این مراسم همچنین آیین قوچ‌آوری را دربرمی‌گیرد که نمادی از آرزوی داشتن فرزند پسر و تداوم نسل است؛ همچنین هدیه دادن به چوپان، روحیه تعاون و همبستگی اجتماعی در جامعه بختیاری را بازنمایی می‌کند. افزون بر جنبه‌های آیینی، سواربازی در بازنمایی ارزش‌های ایلی، مانند مردانگی، مهارت‌های رزمی و پیوندهای اجتماعی، کارکردی مهم ایفا می‌کنند. این آیین ضمن انتقال سنت‌های کهن به نسل‌های بعد، در تقویت روابط خانوادگی و پیوندهای اجتماعی در جامعه بختیاری نیز نقش موثری ایفا می‌کنند (طهماسب عسکری؛ شهناز کیانی؛ مددی، ۱۳۸۶).



تصویر ۲۸. تصویر آماده‌سازی جهت مراسم ری‌برقه (قلی‌پور، ۱۳۹۸)

ورود به حجله؛ ری‌گشون

مراسم حجله در عروسی‌های بختیاری، آیینی نمادین است که با برپایی چادر سفید و افروختن آتش آغاز می‌شود. این فضا نماد پاکی، روشنایی و سعادت در آغاز زندگی مشترک زوجین تلقی می‌شود. گردش عروس به دور آتش، در باورهای آیینی، نمادی از ورود به مرحله‌ای جدید از زندگی و دور ساختن نیروهای نامطلوب تلقی می‌شود. ریختن تخم‌مرغ بر سر عروس و همراهان نیز نمادی از باروری، برکت و آرزوی آغاز زندگی‌ای پر بار به‌شمار می‌رود. در ادامه، ساقدوش داماد (که معمولاً پدر داماد است) با قرار دادن دست عروس و داماد در دست یکدیگر، پیوند زناشویی آنان را به‌صورت نمادین رسمیت می‌بخشد. این حرکت نمادین، افزون بر تأیید پیوند زناشویی، بیانگر اتحاد دو خانواده و تقویت همبستگی اجتماعی در فرهنگ بختیاری است.

پس از مراسم حجله، آیین «ری‌گشون» برگزار می‌شود که از مهم‌ترین مراحل مراسم عروسی در فرهنگ بختیاری به‌شمار می‌رود. در این مراسم که معمولاً پس از صرف غذا برگزار می‌شود، عروس به‌طور رسمی به مهمانان معرفی می‌شود و با کنار زدن پوشش چهره، آمادگی خود را برای ورود به زندگی جدید اعلام می‌کند. مهمانان نیز متناسب با میزان خویشاوندی و توان مالی خود، هدایایی به عروس تقدیم می‌کنند که نشانه‌ای از محبت و احترام آن‌هاست. در مقابل، عروس با اهدای جوراب و دستمال به مردان و جوراب و روسری به زنان، مراتب سپاس و قدردانی خود را از حضور و همراهی مهمانان ابراز می‌کند. این تبادل هدایا، افزون بر تقویت پیوندهای خانوادگی و اجتماعی، موجب تحکیم همبستگی اجتماعی و مشارکت جمعی در آیین ازدواج می‌شود.

این دو آیین، با بهره‌گیری از نمادهای کهن و معانی فرهنگی، نه‌تنها پیوند زناشویی را گرمی می‌دارند، بلکه آرزوهای نیک برای زندگی مشترک زوج جوان و تثبیت جایگاه عروس در جامعه را نیز به همراه دارند. استمرار آیین‌هایی چون حجله و ری‌گشون، بیانگر نقش آن‌ها در حفظ، بازتولید و انتقال هویت فرهنگی و ارزش‌های اجتماعی ایل بختیاری به نسل‌های بعدی است (سمیرا حاجیان؛ سکینه علاء‌دین؛ مددی، ۱۳۸۶؛ قنبری، ۱۳۹۱).

آش دم‌بردگونی

آش دم‌بردگونی، یکی از رسوم ازدواج در فرهنگ بختیاری است که در تحکیم پیوندهای خانوادگی و تقویت روابط اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کند. در این مراسم، خانواده عروس غذایی را تهیه کرده و آن را به خانه داماد می‌برند تا در روز پس از مراسم عروسی صرف شود. این سنت، نه‌تنها نشان‌دهنده محبت و همدلی خانواده عروس نسبت به خانواده داماد است بلکه سمبلی از آغاز زندگی

مشترک و همکاری میان دو خانواده محسوب می‌شود. این غذا به‌عنوان نشانه‌ای از برکت، خیر و خوشی به داماد و خانواده‌اش تقدیم می‌گردد و روابط دوستی و احترام متقابل را تقویت می‌کند. (طهماسب عسکری؛ شهناز کیانی؛ قنبری، ۱۳۹۱).

بحث و نتیجه‌گیری

مطالب گردآوری‌شده، به‌روشنی نشان می‌دهند که هدف این پژوهش، بررسی باورها و آیین‌های ایل بختیاری و تحلیل تأثیر تزئینات و تشریفات در مراسم جشن و سوگ بوده است. این موضوعات هنری به‌طور عمیق با فرهنگ و هویت قومی پیوند خورده‌اند و پژوهش حاضر در پی تحلیل رابطه میان هنر و فرهنگ است. انتخاب شهرهای دزفول، سردشت، چغامیش و ایذه به‌عنوان نمونه‌های تحقیق، بیانگر تلاش برای درک تنوع فرهنگی درون ایل بختیاری و تأکید بر جنبه‌های بصری و هنری مناطق مختلف است. معرفی ایل بختیاری به‌عنوان گام نخست، زمینه‌ای لازم برای شناخت تاریخ، فرهنگ و هنرهای این قوم و بررسی آداب و رسوم فراهم می‌کند. تحلیل آداب و رسوم بختیاری نه‌تنها به تبیین هویت فرهنگی این ایل کمک می‌کند، بلکه از منظر هنری نیز به بررسی نمادها، رنگ‌ها و تزئینات منحصربه‌فرد هر مراسم می‌پردازد که هر یک بار معنایی عمیقی دارند. تزئینات و تشریفات در مراسمات جشن و سوگ، به‌عنوان یکی از محورهای اصلی پژوهش، غنای زیبایی‌شناختی و هنری فرهنگ بختیاری را نشان می‌دهند و از طریق انتقال احساسات و ارزش‌ها، بر اهمیت فرهنگی و هنری این آیین‌ها تأکید دارند.

در این پژوهش، هنر صرفاً به‌عنوان ابزار زیبایی‌شناختی تلقی نمی‌شود، بلکه به‌مثابه وسیله‌ای برای انتقال باورها، احساسات و هویت فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، تأثیرات هنری در شکل‌گیری و تداوم هویت قومی بختیاری جایگاه ویژه‌ای در تحلیل دارد. مراسم عروسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین آیین‌های فرهنگی بختیاری، نمادی غنی از هویت محسوب می‌شود. رسومی مانند «زون‌گشون» و «بِلَکه‌بندون» تنوع و غنای فرهنگی این ایل را آشکار می‌سازند. بررسی این آیین‌ها از منظر هنری از طریق لباس، تزئینات و نمادها به درک عمیق‌تری از فرهنگ و هنر بختیاری منجر می‌شود. ثبات نسبی این آیین‌ها در طول زمان، نشان‌دهنده پایداری فرهنگی ایل بختیاری است. اگرچه تأثیرات محدودی از ارتباط با سایر اقوام مشاهده می‌شود، اما تلفیق هوشمندانه عناصر جدید با سنت‌های پیشین، زمینه‌ای برای مطالعه تعاملات فرهنگی و تکامل هنری این ایل فراهم می‌کند.

در مراسم عزاداری نیز آیین‌هایی مانند «چادر کندن» و «گیس بریدن»، علاوه بر جنبه نمادین سوگ، بازتابی از تجلیات عمیق هنری و فرهنگی عمیقی هستند. این عناصر با معانی نمادین غنی، بازتاب‌دهنده باورها و احساسات مردم بختیاری‌اند و استمرار آن‌ها نشان‌دهنده پیوند مستحکم این قوم با تاریخ و هویت خویش است. در مجموع، این پژوهش ابعاد فرهنگی و هنری مراسم عروسی و عزاداری بختیاری را به‌خوبی معرفی و تحلیل کرده و می‌تواند به‌عنوان منبعی معتبر در مطالعات مربوط به هویت قومی، تاریخی و هنری این ایل مورد استفاده قرار گیرد. مراسم جشن و سوگ به‌عنوان کانون‌های فرهنگی، بازتاب‌دهنده ارزش‌ها، باورها و هویت جمعی بختیاری‌ها هستند. عناصر هنری مانند طراحی لباس، تزئینات و نمادها، زبان بصری فرهنگ این قوم را شکل می‌دهند و در عین حفظ هویت محلی، پیوند آن با فرهنگ ملی ایران را نیز نشان می‌دهند. این پیوند، زمینه‌ساز بررسی تعاملات فرهنگی و تداوم ارزش‌های سنتی در گذر زمان است.

پیشنهاده‌ها

حمایت و پاسداشت فرهنگ بختیاری از سوی متولیان فرهنگی، مسئولان و علاقه‌مندان امری ضروری است. این توجه نه‌تنها به حفظ و تداوم آیین‌ها و رسوم این قوم کمک می‌کند، بلکه آگاهی عمومی نسبت به فرهنگ غنی بختیاری را نیز افزایش می‌دهد.

انجام پژوهش‌های علمی بیش‌تر در حوزه فرهنگ بختیاری و انتشار یافته‌های آن می‌تواند در تحقق اهداف ملی و فرهنگی کشور نقش موثری داشته باشد. برگزاری نمایشگاه‌های تصویری و جشنواره‌های فرهنگی و هنری با هدف معرفی گنجینه‌های فرهنگی ایل بختیاری، روشی مؤثر برای جلب توجه عمومی و بازنمایی ارزش‌های این قوم است. این اقدامات علاوه بر معرفی جنبه‌های هنری و فرهنگی بختیاری‌ها، در حفاظت از میراث فرهنگی این ایل در برابر فراموشی، مهاجرت و تأثیرپذیری‌های فرهنگی نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند.

سپاسگزاری

بدین‌وسیله نویسندگان مراتب قدردانی و تشکر صمیمانه خود را از راویان و مشارکت‌کنندگان در این پژوهش و همچنین از جناب آقای محمدقلی پور و سرکار خانم مریم آل مومن دهکردی به‌جهت اشتراک‌گذاری تصاویر و ثبت آثار غنی ایل بختیاری ابراز می‌دارند.

منابع

- بهمنی، سجاد و احمدی، ذوالفقار (۱۴۰۰). زوال فرهنگ گاگریو: تحلیل انسان‌شناختی دگردیسی عزاداری و سوگ در میان ایلات بختیاری و بهمنی. جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر، ۳(۱)، ۱-۲۹. doi: <https://doi.org/10.34785/J016.2021.108>
- امین احمدی بیرگانی (۱۳۹۸). آیین پل برون در ایل بختیاری، نشریه آفاق علوم انسانی، شماره ۳۵، صفحات ۱-۱۶. <http://noo.rs/8hsmy>
- اسدی فارسانی، مجید و آشوری، محمد تقی (۱۳۹۷). نظام ساختاری پوشاک در ایل بختیاری. نامه انسان‌شناسی، ۱۵(۲۷)، ۴۱-۶۲
- بابادی عکاشه، امین و ساریخانی، مجید (۱۴۰۰). بررسی و تطبیق فرهنگ قوم بختیاری با تمدن ایلام باستان بر پایه شواهد و مطالعات باستان‌شناسی مطالعه موردی: آداب و رسوم. فرهنگ و ادبیات عامه، ۹(۳۸)، ۷۹-۱۱۳. SID. <https://sid.ir/paper/964682/fa>
- رضا پور، داریوش (۱۴۰۱). پدیدارشناسی آیین کتل در ایل بختیاری. مجله مطالعات ایرانی، ۲۰(۴۰)، ۱۶۹-۱۹۹. magiran.com/p2420366
- سلیمانی باورصاد، زهرا؛ کاظم زاده رائف، محمدعلی؛ و میردیریوندی، صبا (۱۴۰۰). نشانه‌شناسی تحلیلی نقوش و احجام شاخص در هنر و معماری بومی قوم بختیاری ایران. کنفرانس بین‌المللی زبان، ادبیات، تاریخ و تمدن. SID. <https://sid.ir/paper/901856/fa>
- قربانی قهفرخی، عاطفه؛ یزدانی‌راد، علی؛ و براتی ارداجی، طاهره (۱۳۹۷). بررسی اسطوره و نماد قوچ در فرهنگ ایران باستان با محوریت قوچ‌های سنگی چهارمحال و بختیاری. پژوهش در هنر و علوم انسانی، ۳(۱۰)، ۴۷. magiran.com/p1853370
- قنبری عدیوی، عباس (۱۳۸۲). «مافه‌گه»؛ یادمان بزرگان ایل بختیاری. کیهان فرهنگی، بهمن و اسفند ۱۳۸۲، ۲۰۸-۲۰۹.
- قنبری عدیوی، عباس (۱۳۹۱). فولکلور مردم بختیاری. شهرکرد: انتشارات نیوشه.
- قنبری عدیوی، عباس (۱۳۹۳). شیرسنگی. شهرکرد: انتشارات نیوشه.
- قنبری عدیوی، عباس (۱۳۹۴). ز شیر بنگشت تا جون آدمیزاد. شهرکرد: انتشارات نیوشه.
- مددی، حسین (۱۳۸۶). نماد در فرهنگ بختیاری. چاپ اول، اهواز: انتشارات مهزیار.
- نصیری، ولی‌الله (۱۴۰۱). بررسی مردم‌شناختی پوشاک زنان و دختران در قوم بختیاری (براساس دیدگاه ون جنپ «مناسک گذار»). فصلنامه مطالعات میان‌فرهنگی، ۱۷(۵۰)، ۱۱۹-۱۴۴. magiran.com/p2458565

- Bäckström, B. M. G. G. (2019). Death, mourning and post-death rituals of elderly migrants. *Health & Social Care in the Community*, 27(4), e455–e463. <https://doi.org/10.1080/13576275.2018.1559137>
- Burch, R. L. (2019). The wedding as a reproductive ritual. *Sexualities*, 22(7), 1185–1199. <https://doi.org/10.1177/1089268019832848>
- Chumachenko, O. (2022). *Wedding as a form of ceremonial-ritual "entertainment" in the fine arts of Ukraine in the XX–XXI centuries* (Unpublished master's thesis). National Academy of Management of Culture and Arts. <http://elib.nakkkim.edu.ua/handle/123456789/4155>
- Hoy, W. G. (2021). *The purposes and practices of death rituals in global perspective*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003186106>
- Zeeshan, M., Chaudhry, A. G., & Khan, S. E. (2020). Unmaking the anthropology of mourning in a psychoanalytical perspective. *Global Regional Review*, 5(I), 100–107. [https://doi.org/10.31703/grr.2020\(V-I\).13](https://doi.org/10.31703/grr.2020(V-I).13)